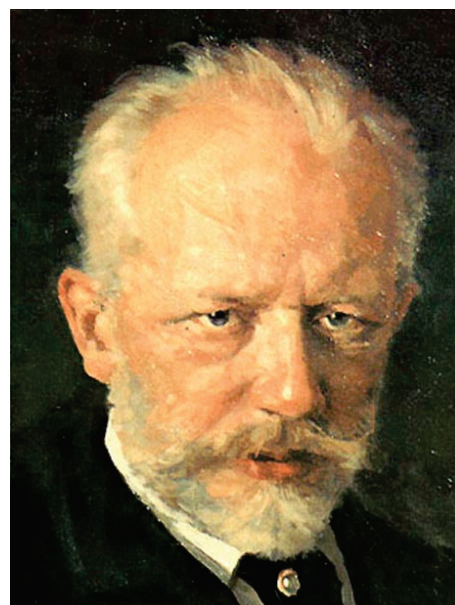


# جهان هنر و ادب



حسن فرزانه

## چایکوفسکی بزرگ ما



فلدر، در نوشتن نمایشنامه هایی بر اساس زندگی استادان موسیقی: گرشوین، برلین، شوپن، بتهوون و برنشتاین تخصص و استعداد زیادی دارد.

فلدر که خود در این نمایشنامه تک نفره بازی می‌کند، در آغاز، نامه ای را به ما نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۳ از او برای اجرای موسیقی در روسیه به عنوان قهرمان ملی این کشور دعوت شده است. درست پس از اینکه وزیر فرهنگ رسماً اعلام می‌دارد که چایکوفسکی همجنس‌گرا نیست، فلدر آنگاه، ماسک چایکوفسکی را بر چهره می‌زند و با پیانو، گه گاه، آهنگ هایی از چایکوفسکی اجرا می‌کند که در پیشبرد سرگذشت چایکوفسکی و جذابیت شخصیت این آهنگساز بزرگ روسی بی‌تاثیر نیست.

بر اساس زندگی چایکوفسکی فیلم های متعددی نیز ساخته اند که بهترین آنها فیلم جالب **The Music Lovers** اثر کن راسل است.

تمام عیار بود اما از ترس اینکه مبادا حکومت او را به سببری تبعید کند، گرایش جنسی خود را از همه پنهان نگه داشته بود. از این روی، چایکوفسکی در زندگی خود در روسیه قرن نوزدهم، رنج بسیار کشید و آسیب های بسیار دید. موسیقی چایکوفسکی در روسیه هنوز هم مثل آن زمان مورد ستایش است، بی آنکه نامی از خالق اصلی آن بر زبان آید.

نمایشنامه «چایکوفسکی بزرگ ما» که به وسیله فلدر نوشته شده و ترور هی نیز آن را کارگردانی کرده است، نمایشنامه‌ای تاثیر انگیز است و اجرای بی‌وقفه آن به مدت ۱۰۵ دقیقه کمی طولانی احساس می‌شود. با این حال، تماشاگران آنچنان از آن استقبال کرده اند که در این مدت کوتاه اجرای آن به صورت یکی از پر فروش ترین نمایش های لس آنجلس در آمده است به طوری که تهیه کننده آن در صدد برآمده است تا اجرای آن را تا اواخر ماه اکتبر ادامه دهد و سپس این نمایشنامه را به یکی از تئاترهای جنبی برادوی ببرد.

در اواسط نمایشنامه یک نفره «چایکوفسکی بزرگ ما»، این آهنگساز روسی می‌گوید: «موسیقی ملیتی ندارد. پدیده ای انسانی است.» اگر دولت روسیه چنین اظهار نظری را می‌پذیرفت، مردم این کشور، بویژه دولت روسیه، با تراژدی وحشت و هراس از همجنس‌گرایی، که هنوز هم در میان مردم این کشور رایج است، روبرو نمی‌بود.

این تراژدی در سراسر نمایشنامه هرشی فلدر احساس می‌شود؛ نمایشنامه ای که ماه گذشته اجرای آن در تالار مرکز والیس انبرگ، در لس آنجلس، آغاز شد و هنوز هم به خاطر استقبالی که از آن شده است، ادامه دارد.

چایکوفسکی، به گفته همه، همجنس‌گرایی



Author: Tom Beetz ; CC-BY-2.0

ترانه سرایان و آهنگسازان برجسته آمریکایی در آن شرکت می کنند، به بنت، که اخیراً از آستانه نود سالگی گذشت، اهداء خواهد شد. بنت در بیانیه ای گفت: «بسیار مفتخرم که یکی از اولین ترانه هایی که خواندم و ضبط کردم، از سروده های برادران گرشوین بود؛ زیرا سروده های آنها بسیار استادانه است. دریافت جایزه ای که به افتخار نام آنهاست، یکی از مهیج ترین رویدادهای زندگی من است.»

## جایزه گرشوین برای تونی بنت

بنت به جمع عده دیگری از خوانندگان و آهنگسازان بزرگ آمریکایی از جمله استیوی واندر، پل سایمون، کرول کینگ، پل مکارتنی، ویلی نلسون، اسموکی رابینسون، بیلی جوئل و تیم برت باکاراک و هال دیوید می پیوندد. این جایزه در ماه نوامبر سال جاری طی مراسمی که اغلب

کتابخانه گنگره آمریکا، تونی بنت، خواننده سرشناس آمریکایی را به خاطر ترانه های محبوبی که تاکنون خوانده، به عنوان دریافت کننده جایزه گرشوین سال ۲۰۱۷ برگزیده است. کارلا هیدن در بیانیه ای گفت: «تونی بنت یکی از هنرمندان بسیار گرمی زمانه ماست که به دست آوردهای بسیاری نایل آمده است. قدرت و محبوبیت پایدار بنت شاهدهی بر جاذبه ترانه ها و آهنگ های برجسته آمریکایی است که به یاری گرشوین سروده و ساخته شده است. توانایی بنت در همکاری با نسل هایی از آهنگسازان و ترانه سرایان برجسته آمریکایی، یکی دیگر از خصوصیات ارزشمند این خواننده است که توجه همه عاشقان موسیقی همه اعصار را به خود جلب کرده است.»

## مستند کن برنز در باره محمد علی کلی

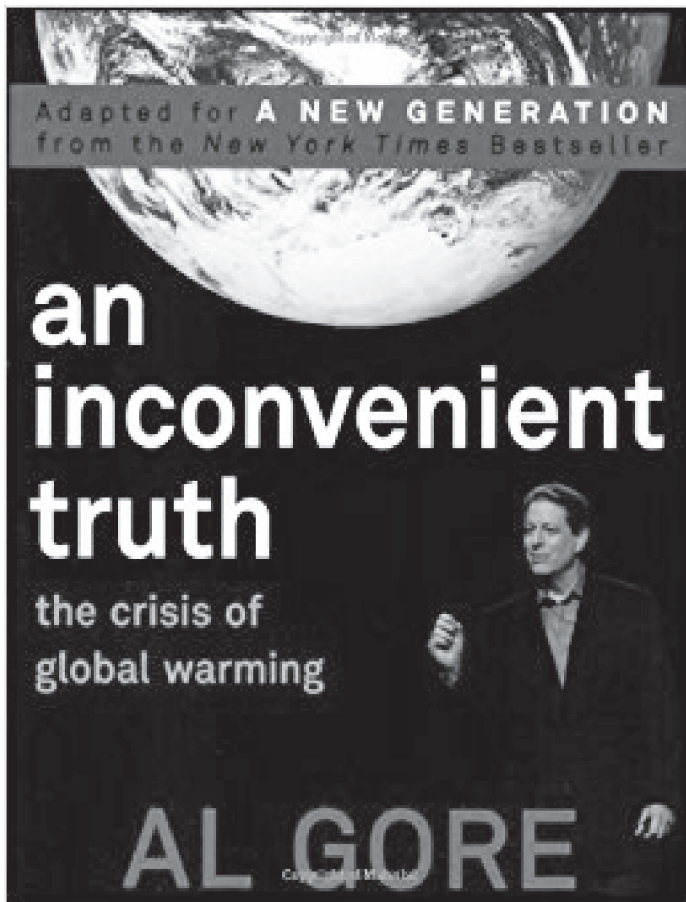
بُت گونه و برجسته قرن بیستم به شمار آورد. او در زمانی مناسب اما پر آشوب و دشوار، شهرت و محبوبیت یافت. سدها را شکست و با صدایی قدرتمند، حضوری چشمگیر و دست آوردهایی خارق العاده در مسابقات مشت زنی، عصر خود را شکل بخشید. با این حال، در پس قریحه شگفت انگیزش در عالم ورزش مشت زنی، و جاذبه عظیمش، انسان بسیار پیچیده و پر تحرکی نهفته است که سزاوار بررسی و شناخت است.»

محمد علی کلی که سال ها مبتلا به بیماری پارکینسون بود، در سال ۲۰۰۴ درگذشت.

کن برنز، مستند ساز سرشناس آمریکایی یکی از تهیه کننده ها و کارگردان های مستند تازه ای است که در باره محمد علی کلی، قهرمان جنجالی و افسانه ای مشت زنی آمریکایی خواهد بود. قرار است این مستند که در دو قسمت تهیه خواهد شد، در سال ۲۰۲۱ از تلویزیون های بی بی اس پخش شود.

کن برنز به اتفاق دخترش سارا برنز و دیوید مک ماهون، همسر سارا برنز، ساخت این مستند چهار ساعته را از ماه گذشته برای کمپانی فیلم فلورنتاین و تلویزیون های بی بی اس آغاز کرده اند. برنز در بیانیه ای گفته است: «محمد علی را می توان به عنوان یکی از چهره های





## دنباله فیلم «حقیقت تلخ»

زیادی در این باره اندوخته اند. برخلاف فیلم قبلی که سازنده توجه خود را روی نمایی کردن اسلایدهای علمی گور متمرکز کرده بود، سازندگان دنباله حقیقت تلخ، ال گور را همچون سایه، ماه‌ها دنبال کرده‌اند و مبارزات خستگی‌ناپذیر، مسافرت‌ها، سخنرانی‌ها، سرخوردگی‌ها، تصمیم‌ها و نظرات گور را به عنوان حقیقتی واقعاً تلخ که همه کشورهای کره زمین را (توفان‌های اخیر تگزاس و فلوریدا را فراموش نکنیم) تهدید می‌کند، دنبال کرده‌اند. ماحصل این تلاش ارزنده، فیلمی است که تماشاگر را با این بحران درگیر می‌کند و او را وامی‌دارد تا از خود واکنشی مثبت نشان دهد و میان امید و ناامیدی، مثل ال گور، امید به آینده بشر و سرنوشت کره زمین را برگزیند.

تعهدات دولت اوپاما را نادیده گرفته‌اند و حاضر نیستند گوش به اظهارات او یا دیگر دانشمندان بسپارند.

در واقع، تماشای این فیلم که ما را با این خطر روزافزون درگیر می‌کند و گور با شور خارق‌العاده‌ای پیام خود را ارائه می‌دهد، خلاف این عقیده را به اثبات می‌رساند. نیاز توجه به این وضعی که همه ساکنان کره زمین را تهدید می‌کند، صرف‌نظر از تصمیمات دولت ترامپ، بیش از پیش افزایش یافته است.

آنچه دنباله این فیلم را جالبتر از فیلم قبلی کرده است، نگاه و انتخاب شیوه «سینما حقیقت» سازندگان جدید آن، بانی کوهن و جون شنک است که پیش از این فیلم مستندی در این زمینه به نام The Island President ساخته و تجارب

فیلم مستند «حقیقت تلخ» که بر اساس مطالعات دامنه دار ال گور در باره گرمایش آب و هوای کره زمین و خطرهایی که زندگی نسل‌های آینده بشر را تهدید می‌کند ساخته شد و به دریافت جایزه اسکار بهترین فیلم سینمایی مستند سال ۲۰۰۶ نایل آمد، نظرهای موافق و مخالفی میان مردم، سیاستمداران و حامیان محیط زیست برانگیخت.

با این حال، ال گور، این مبارز سرسخت، از نظر خود دست نکشید و همچنان به مطالعات خود و جمع‌آوری مدارکی تازه ادامه داد. اخیراً که دونالد ترامپ توافق آمریکارا نسبت به معاهده مبارزه با افزایش گرمای کره زمین و جلوگیری از آن را لغو کرده است، عده‌ای بر این باورند که کوشش ال گور بی‌فایده است؛ آن هم در زمانی که جمهوری خواهان





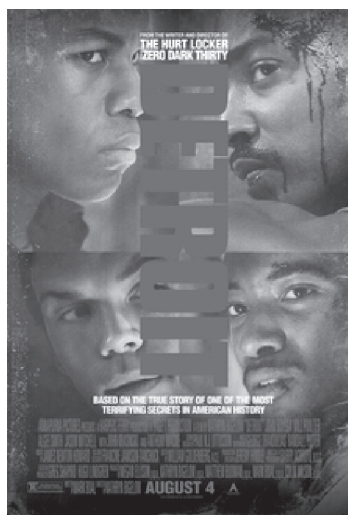
هالیوود از دیرباز نقش و استعداد و هوشمندی زنان را در زمینه های مختلف فیلمسازی دست کم گرفته است. فیلم «زن شگفت انگیز» که اخیراً به وسیله زنی کارگردان به نام پتی جنکینز با بازیگری زنی ناشناس در نقش اول فیلم به نام گال گادات ساخته شده و چندی پیش به نمایش درآمد، نه فقط در اولین نمایش تعطیلات آخر هفته خود ۱۰۳ میلیون دلار درآمد داشت، بلکه اغلب منتقدان سینمایی نیز این فیلم را ستودند. در نتیجه، اغلب استودیوهای فیلمسازی به فکر تهیه فیلم هایی از این دست افتاده اند تا شاید بخت با آنان یار شود و سرمایه کلان این قبیل فیلم ها چند برابر به جیب آنها برگردد.

شگفت انگیز» تاکنون از ۷۸۰ میلیون دلار نیز تجاوز کرده است و این رقم، رکورد تمامی فیلم های پرحادثه را که تا کنون توسط یک زن کارگردانی شده شکسته است.

پتی جنکینز، کارگردان «زن شگفت انگیز» احتمالاً دنباله این فیلم را با بازی گال گادات که حالا به صورت ستاره سرشناسی درآمد است، خواهد ساخت. درآمد گیشه فیلم «زن

به همین جهت، استودیو برادران وارنر اخیراً اعلام کرد که درصدد است دنباله فیلم «زن شگفت انگیز» را به زودی بسازد و در ماه دسامبر سال ۲۰۱۹ به نمایش عمومی بگذارد.

## دیترویت



شکست روبرو شد. با این حال، بعید نیست که در فصل جوایز سینمایی هالیوود، مورد توجه و تحسین واقع شود.

را بر آشفت که اغلب آنها، در زمان نمایش این فیلم، اعمال شکنجه آمیز ماموران سی آی ا را با مخالفان و دشمنان دولت امریکا، که در این فیلم به صراحت به تصویر کشیده شده بود، بکلی انکار کردند. با این همه، فیلم از فروش نسبتاً خوبی برخوردار بود ولی برای نامزدی جوایز اسکار چندان مورد توجه واقع نشد. فیلم «دیترویت» در زمانی به نمایش عمومی درآمد که نژادپرستان آن را سرکوب کردند و از نظر تجاری با

با شهروندان خود و نژادپرستان به نمایش می گذارد. هرچند فیلم «مهلکه» کم فروش و از نظر تجاری نا موفق بود، با این حال، برای اولین بار در تاریخ جوایز اسکار، جایزه بهترین کارگردانی را نصیب یک کارگردان زن - کترین بیگلو - کرد. دومین فیلم بیگلو، «نیم ساعت پس از نیمه شب» که گوشه ای از شیوه های شکنجه دادن دولت آمریکا را در مقابله با دشمنان خود ترسیم می کرد، آنچنان سیاستمداران آمریکایی

کترین بیگلو، کارگردان، و دیوید بول، سناریست، هر دو همان شیوه تحقیق فیلم های قبلی را برای ساختن فیلم جدید خود «دیترویت» به کار برده اند. در واقع، فیلم «دیترویت» آخرین بخش از سه گانه فیلم های بیگلو- بول است. «مهلکه» آمریکا را در جنگی خارج از کشور ترسیم می کند. «نیمه شب» آمریکا را در جنگ برای حفاظت از کشور خود نشان می دهد و سرانجام، «دیترویت»، آمریکا را در جنگ



# پرویز شفا،

## انسانی وارسته و والا

حسن فیاد

پرویز شفا، استاد سینما، پژوهشگر و مترجم سه شنبه ۳۱ مرداد سال ۱۳۹۶ در بیمارستانی در شهر سانفرانسیسکو درگذشت. شفا که از چند دهه پیش در پی بیماری های گوناگون ناگزیر به پیوند کبد شده بود، گرچه رنجور می نمود و این اواخر خانه نشین شده بود ولی تا آخرین لحظه عمر از روحیه ای قوی و مثبت برخوردار بود و همچنان وقت خود را به دیدن فیلم و مطالعه آثار سینمایی که از کودکی علاقه فراوانی به این هنر داشت، می گذراند و به پژوهش و ترجمه مطالب سینمایی ادامه می داد. شفا در سال ۱۳۱۷ در مشهد به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در مشهد و تهران به پایان رساند. آنگاه، برای تحصیل در رشته سینما به سانفرانسیسکو رفت. پس

این دانشکده انجمید. در چند سالی هم که من صفحات سینمایی مجله «تماشا» را اداره می کردم، ترجمه ها و نوشته هایی از شفا را در این مجله به چاپ می رساندم.

متاسفانه، در آن زمان، بر خلاف امروز، نه کتاب های سینمایی چندان به زبان انگلیسی یا فرانسه یافت می شد و نه کتاب های درسی سینمایی، جز «تاریخ سینما»ی آرتورنایت به ترجمه نجف دریابندری که به فارسی ترجمه و منتشر شده بود. در نتیجه، به ناچار، بخش هایی از کتاب های درسی و معتبر سینمایی به وسیله استادان این رشته ترجمه می شد و به صورت جزوه، و اغلب دستنویس، در اختیار شاگردان قرار می گرفت. یکی از خدمات ارزشمند شفا در این بود که بخش هایی از برخی کتاب های مفید و معتبری که در دسترس بود، برای شاگردانش ترجمه می کرد و در اختیار آنها می گذاشت. شفا علاوه بر این، کتاب های دیگری هم در باره سینمای شوروی، افریقا، آمریکای لاتین و ژان لوک گدار به موازات فعالیت های دانشگاهی خود ترجمه و منتشر کرده بود که در آن روزگار خوانندگان و علاقه مندان بسیار داشت.

سال ها گذشت و انقلاب اسلامی همه چیز را واژگون کرد. سرانجام شفا هم که مانند اغلب فرهیختگان از پیامدهای انقلاب مأیوس و دلسرد شده بود، ایران را به اتفاق همسر و دختر خردسالش ترک گفت و به آمریکا، نیویورک، کوچ کرد.

با این حال، دیری نگذشت که شفا، متاسفانه، همسرش را هم که به تومور مغزی مبتلا شده بود از دست داد و ناگزیر به اتفاق دختر نوجوانش به سانفرانسیسکو نزد برادرانش، که یکی از آنها، سعید شفا از اهالی سینماست، رفت.

با اینکه شفا در سال های اخیر از تنهایی و بیماری رنج می برد، ولی هرگز از کوشش خود در ترجمه آثار سینمایی مورد علاقه اش دست برنداشت و علاوه بر کتاب های سینمایی متعددی که در سال های پیش از انقلاب ترجمه کرده بود، دو کتاب با ارزش دیگر، «آمریکای الیور استون» و «سرگیجه» هیچکاک را ترجمه کرد که از سوی نشر هرمس در ایران منتشر شده اند. تعدادی دیگر از ترجمه هایش هم نزد ناصر زراعتی، نویسنده و فیلمساز، و یکی از شاگردان وفادار و کوشایش به جا مانده که امیدواریم به همت او هرچه زودتر منتشر شود و در دسترس علاقه مندان سینما قرار گیرد.

پرویز شفا انسانی وارسته و والا بود. اهل خودنمایی و فضل فروشی نبود. هرچه از سینما و هنرهای دیگر می دانست سخاوتمندانه در اختیار دوستان، شاگردان و همکارانش می گذاشت.

یادش گرامی و نامش جاودان باد.